روزنه

رئیس قوه قضائیه:

افزایش غنی‌سازی تصمیمی ملی است

● **دادایران:** رئیس قوه قضائیه گفت: تصمیم جمهوری اسلامی به کاهش تعهدات برجامی و افزایش غنی‌سازی اورانیوم، تصمیمی ملی، اجماعی و مورد توافق مسئولان و مردم است. آیت‌الله سیدابراهیم رئیسی در جلسه شورای عالی قوه قضائیه با اشاره به گام دوم مقابله‌ای ایران در راستای کاهش تعهدات برجامی که روز گذشته برداشته شد، اظهار کرد: همه دنیا درخصوص برجام، شاهد عمل ایران به تعهدات خود و نقض پیمان و بی‌عملی آمریکا و اروپا بوده‌اند و امروز نیز تصمیم جمهوری اسلامی به کاهش تعهدات برجامی و افزایش غنی‌سازی اورانیوم، یک تصمیم ملی، اجماعی و مورد توافق مسئولان و مردم است. رئیسی با تأکید بر ضرورت توجه به خواست مردم برای عمل عزتمندانه به تعهدات خاطرنشان کرد: همگی با تأسی از فرمایشات و تأکیدات مقام معظم رهبری که همواره سیاست‌ها و هدایت‌هایشان باعث سربلندی کشور بوده است، تصمیم دولت جمهوری اسلامی برای کاهش تعهدات برجامی را امری ملی و اجماعی می‌دانیم و معتقدیم این روند تا زمانی که اروپا به تعهدات خود عمل کند، باید ادامه یابد. رئیس قوه قضائیه در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به اقدام نیروی دریایی انگلستان به نیابت از آمریکا در توقیف نفت‌کش ایرانی در جبل‌الطارق، این امر را نقض همه قوانین و مقررات بین‌المللی دانست و خاطرنشان کرد: چطور زمانی که گروه تروریستی داعش، نفت سوریه و عراق را ظالمانه تصاحب کرده بود و در همین آبراه‌ها به‌راحتی حضور می‌یافت و جلوی چشم همین کشورها نفت قاچاق را به صورت غیرقانونی انتقال می‌داد، صدایی از این کشورها شنیده نشد؛ اما امروز که نفت‌کش جمهوری اسلامی در اقدامی قانونی و با رعایت همه قوانین بین‌المللی در جبل‌الطارق تردد می‌کند، از سوی انگلستان توقیف می‌شود؟ رئیسی گفت: به نظر می‌رسد انگلیسی‌ها و اروپایی‌ها به‌خوبی از دسترسی‌ها و ظرفیت‌های جمهوری اسلامی باخبر هستند و بر این اساس به نفع خودشان است هرچه زودتر برای رفع توقیف این نفت‌کش اقدام کنند وگرنه باید منتظر عواقب این کار باشند. رئیس قوه قضائیه در بخش پایانی سخنان خود، خطاب به مسئولان عالی قضائی تصریح کرد: درِ دادگستری‌ها برای دادخواهان باز باشد و همه کسانی که در مقام رسیدگی به داد مردم هستند، باید دسترسی آنان را برای دادخواهی تسهیل کنند.

گفت‌وگو با مراد ثقفی درباره بهنگامی و نابهنگامی تصمیمات سیاسی

گذر از جنبش به دولت

عکس: سهند تاکی، شرق

مهرشاد ایمانی

«منافع ملی» ترکیب دو کلمه‌ای است که هنوز اجماعی بر آن وجود ندارد و ممکن است فرای دولت‌ها و احزاب سیاسی هر فردی در جامعه نیز تعبیر خاص خود را از این ترکیب داشته باشد. با توجه به این تشتت آرا هر دولتی که بر سر کار می‌آید می‌تواند تفکرات جناح متبوع خود را به منصه ظهور برساند. این مهم خاصه پس از انقلاب به وضوح دیده می‌شود؛ به‌نحوی که سیاست‌های دوران جنگ، سازندگی، اصلاحات، احمدی‌نژاد و در آخر روحانی در ابعاد مهمی با یکدیگر تفاوت داشته‌اند. مراد ثقفی، روزنامه‌نگار، پژوهشگر و فعال مدنی باور دارد که در تمام این سال‌ها درک درستی از منافع ملی چه در حوزه سیاست داخلی و چه در سیاست خارجی وجود نداشته است و ضرورت دارد اکنون که کشورمان درگیر بحران‌های متعدد است، گفت‌وگویی گسترده برای تعریف و سپس تعیین منافع ملی شکل بگیرد تا تمام مردم و مسئولان بدانند ارزش‌های مورد تأکید همگان چیست. برای کاوش این موضوع ساعتی را با این پژوهشگر مسائل سیاسی به گفت‌وگو نشستیم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

سیاست‌های بهنگام و نابهنگام می‌تواند در مقاطعی باعث پیشرفت یا پسرفت کشور در بزنگاه‌های مختلف شود. وقتی به تاریخ بعد از انقلاب نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم چنین سیاست‌هایی که باعث فراز و فرود موقعیت ایران شده کم نبوده است؛ برای مثال در مقطعی سیاست‌های فرهنگی و اجتماعی باعث بروز انتقادهای طبقه متوسط و دانشگاهی شده بود و از مقطعی به بعد و مشخصا در دی‌ماه سال ۹۶ به دلیل سیاست‌های اقتصادی حاکم سطح انتقادها به عموم جامعه نیز منتقل شد. با چنین ذهنیتی در دید کلان، چگونه می‌توان در وهله نخست از بروز بحران‌های شدت‌یافته جلوگیری کرد و در وهله دوم در هنگام ایجاد یک بحران آن را به بهترین شکل سامان داد تا فرصت‌ها به تهدید تبدیل نشوند؟

مورخان تاریخ معاصر ایران، دلیل حرکت‌هایی از جنس شورش دی‌ماه ۹۶ را که به شورش‌های نان شهرت دارد، فقط اقتصادی نمی‌دانند بلکه بر وجه اخلاقی آنها هم تأکید دارند. به این معنا که دلیل اعتراض بخشی از مردم لزوما نان نیست بلکه به‌دلیل نوعی بی‌اخلاقی اقتصادی هم هست، مثل کم‌فروشی یا احتکار. به نظر من، مردم در سال ۹۶ نسبت به چنین وضعیتی و نه لزوما به فقر گسترده در جامعه اعتراض کردند؛ یعنی فقط وجه اقتصادی مدنظر نیست، بلکه وجه اخلاقی یا فرهنگی را هم باید کاوید. ما مردم نشان داده‌ایم که فقر را در صورتی که همگانی باشد و هیچ طیفی از آن مستثنا نباشد، بیشتر تحمل می‌کنیم. در فرهنگ سیاسی ما اخلاق اقتصادی به اندازه خودِ اقتصاد یعنی وجه عددی آن مهم است. پس با وجود آنکه نمی‌خواهم به‌هیچ‌وجه سویه اقتصادی را نفی کنم، به‌نظرم باید سویه اخلاقیِ وضعیت اقتصادی‌ای را که در آن به‌سر می‌بریم نیز بکاویم. همه ما مقایسه‌هایی کلی انجام می‌دهیم و در صورتی که سختی وضعیت را نتیجه نوعی بی‌اخلاقی اقتصادی بدانیم، آسان‌تر دست به اعتراض می‌زنیم. این را هم بگویم که اهمیت اخلاق در نگاه ما تنها منحصر به حوزه اقتصادی نیست. دفاع از تمامیت ارضی در دوران جنگ -گاه با دست خالی- را نمی‌توان بدون ارجاع به اخلاق توضیح داد.

هنوز هم اخلاق‌مدار هستیم؟

بله هستیم. البته نمی‌توان گفت که وجه اخلاق چقدر پررنگ یا کم‌رنگ است زیرا آماری در این زمینه وجود ندارد اما وقتی به‌عنوان یک شاهد بیرونی به جامعه نگاه می‌کنم، درمی‌یابم که عنصر اخلاق برای مردم هنوز مهم است. به یاد داریم که در زلزله کرمانشاه یا سیل امسال مردم تا چه حد سعی کردند که کمک‌حال هم‌وطنان خود باشند. باتوجه به چنین نشانه‌هایی تصور می‌کنم جامعه ما هنوز یک جامعه اخلاقی است. اما به بخش دیگر پرسش شما مبنی بر سیاست‌ها برگردیم. برای تبیین این موضوع باید جزئی برخورد کنیم؛ یعنی ضرورت دارد که سیاست اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، سیاست فرهنگی و سیاست ملی را از یکدیگر جدا کنیم. درباره سیاست‌های اقتصادی به اندازه کافی بحث می‌شود اما ما چندان نشنیده‌ام که مسئولان از ضرورت تغییر سیاست‌های فرهنگی سخن بگویند. مسئولان هیچ‌گاه سیاست‌هایی را مطرح نکرده‌اند که ناظر بر سبک زندگی باشد. هیچ‌وقت نمی‌بینیم گفتمانی در حوزه هنر که توسط روشنفکران تبیین می‌شود به درون دیوان‌سالاریِ فرهنگی ما و ابزارهای تبلیغی و ترویجی‌اش وارد شود. ما در عرصه سیاست‌های فرهنگی به‌طور کلی کمبود داریم و وقتی چنین خلائی وجود دارد نمی‌توان گفت که چه سیاستی درست یا نادرست است؛ یعنی پیش‌نیاز آن محقق نشده است. فرهنگ در کشور ما به وسیله سلایق افرادی اداره می‌شود که روی کار می‌آیند؛ یکی فرهنگ را به سمت عوام و دیگری به سمت خواص می‌برد، یکی فرهنگ را منطقه‌ای بررسی می‌کند و دیگری آن را ملی می‌داند. به باور من ما اصلا در حوزه فرهنگی سیاستی نداریم.

جناب ثقفی از بحث تصمیم‌های سیاسی بهنگام و نابهنگام دور نشویم. پس از انقلاب، کشور ایران چند مقطع مهم ازجمله جنگ، سازندگی، اصلاحات و دوران بحران‌های بین‌المللی درباره موضوع هسته‌ای را تجربه کرد. با جنگ آغاز کنیم؛ چه عواملی در دوران جنگ باعث شد مردم با وجود تمام سختی‌ها، در کنار نظام سیاسی بایستند و چندان منتقد وضع موجود نباشند؟ آیا این همبستگی برخاسته از سیاست‌های نظام سیاسی بود یا آنکه مردم خود را با شرایط وفق می‌دادند؟

انقلاب جوشش عظیمی را در بسیاری از مردم ایجاد کرد. انقلاب وعده جهانی نو، زندگی بهتر، اخلاق‌مداری، پایان ازخودبیگانگی فرهنگی و ده‌ها امید بهبود شرایط مادی و معنوی بود. علت دیگری که مردم با حکومت همبسته بودند، تعلق‌خاطر آنها به رهبر انقلاب بود. در کنار وعده‌هایی که انقلاب به‌همراه داشت و نگاه به رهبری، یادمان نرود جنگ در نگاه مردم دفاع از میهن تلقی می‌شد. همه اینها به جای خود، در ضمن این سخن کلی که مردم در کنار نظام سیاسی ایستاده‌اند نیز چندان دقیق نیست؛ زیرا در آن ایام نظام سیاسی در حال تکوین بود و تنش در بالاترین حد خود قرار داشت. کافی است ماجراهای سیاسی آن زمان را به خاطر بیاورید؛ هر روز یک بحران وجود داشت، عده‌ای در کار دولت دخالت می‌کردند و چندین نهاد تصمیم‌گیری وجود داشت و عده‌ای دیگر به صورت مدام دست به ترور می‌زدند و بحران‌های اقتصادی و... نیز که به دلیل انواع و اقسام اختلال‌ها در نظام تولید به وجود آمده بودند جای خود. بحران‌هایی را که به نام قومیت‌ها در گوشه و کنار کشور سربلند کرد نیز باید به اینها افزود. در واقع، اگر وحدتی به وجود آمد، بیشتر به دلیل آن سه عاملی بود که گفتم، نه به دلیل سیاست‌های مشخص که فرضا از طرف دولت اتخاذ شد.

در دوران بعدی، یعنی پس از پایان جنگ چطور؟ مشخصا آقای هاشمی -دست‌کم در مقام بیان- از سازندگی و ترمیم خرابی‌های جنگ سخن می‌گفت یا نیروهای تندروی ابتدای انقلاب با تفکراتی تغییریافته، خود را اصلاح‌طلب تحول‌خواه معرفی می‌کردند؛ یعنی از یک سو مطالبه اجتماعی اقتضا می‌کرد با پایان جنگ شرایط متحول شود و از سوی دیگر، ضرورت سیاسی و اجرائی چنین امری را پیش می‌برد. چه نشانه‌هایی وجود داشت تا در دهه ۷۰ رویکردهای سیاسی تغییر کند؟

من دوره آقای هاشمی را دوره گذار تعریف می‌کنم؛ زیرا به نظرم از نظر سیاسی، گفتمان جدیدی شکل نگرفت.

ادامه در صفحه ۶

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir
پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● اتوبوس‌های مسیر «ابتدای خیابان فردوسی- پایانه بیهقی» نه‌تنها وسیله سرمایش و کولر ندارند، بلکه تعدادی از این اتوبوس‌ها یا همیشه در خیابان فردوسی توقف کرده‌اند یا با تأخیر در ایستگاه مبدأ حاضر می‌شوند و مسافران را حتی تا نیم‌ساعت هم در خیابان سرپا نگه می‌دارند! مسئول خط نیز به‌هیچ‌عنوان به اعتراضات پاسخ نمی‌دهد. لطفا روابط‌عمومی شرکت اتوبوس‌رانی به‌جای فرستادن جوابیه به روزنامه، از ناظران این شرکت بخواهد تا به مشکل مردم در این خط و خطوط دیگر رسیدگی کنند تا شاهد صف‌های دوران دهه ۶۰ و برخوردهای بی‌ادبانه رؤسای خط در ایستگاه‌های اتوبوس نباشیم.

یک روزنامه‌نگار

● در این شرایط گرانی پیشنهاد می‌شود فروشگاه‌های تعاونی وابسته به وزارت تعاون به طور سیار محصولات خود را در مناطق محروم و دورافتاده‌ای که فاصله زیادی با فروشگاه‌های ثابت دارند عرضه کنند تا کمک‌حال خوبی برای افراد کم‌درآمد و بی‌بضاعت شود.

یک مخاطب

● اتوبوس داخل‌شهری مسیر حقانی- بلوار ارتش دیر به ایستگاه پاسداران می‌آید. لطفا مسئولان مربوطه رسیدگی کنند.

یک مخاطب

● لطفا از دادگستری مشهد بخواهید اسامی روزنامه‌هایی را که احضاریه‌ها و احکام غیابی دادگاه‌های مشهد را چاپ می‌کنند، اعلام کنند. همچنین تعداد این روزنامه‌ها در مشهد در دسترس باشد.

یک مخاطب

● کارمندان وظیفه‌شناس و پرتلاش بانک ایران‌زمین: هرموقع به بانک ایران‌زمین شعبه ولیعصر کد ۳۲۱۰ شهرستان گرگان مراجعه می‌کنم، کارمندان پرتلاش این شعبه با سرعت کار مراجعه‌کنندگان را انجام می‌دهند. همچنین خانم شهواری، رئیس شعبه و آقای میرحسینی، معاونشان با خوشرویی و برخورد خوبشان موجب شده‌اند تا بسیاری از مشتریان بانک با رضایت از شعبه خارج شوند که جا دارد از آنها تشکر کنیم. لطفا این پیام را به‌عنوان قدردانی از تلاشگران مربوطه چاپ کنید. با تشکر.

افروز قاسمی از گرگان